

سرگذشت تاریخی چهار جزیره در خلیج فارس

جزیره های : باسیدوی قشم ، بوموسی ، تمب بزرگ (تمب گپ) ، تمب کوچک (تمب مار)

- ۲ -

در سال ۱۹۰۹ میلادی برابر با ۱۳۲۶ هجری قمری ، پس از سی سال که فعالیت انگلیسیان ظاهراً در این جزیره بچشم نمی خورد ، بار دیگر در انبارهای ذغال برای سوخت کشتیهای انگلیسی ذخیره کردند که بعدها در جنگ جهانی اول مورد استفاده قرار گرفت و پرچم انگلیس همچنان بر فراز پایگاه باسیدو برافراشته می شد . سدیدالسلطنه کبابی نوشته است : «... تدریجاً بمنوان مالکیت مقدار محوطه پنجهزار ذرع اراضی ایران متصرف و ابنیه عالیه ای بنا نهادند ، و انگلیسی زیاد در آنجا مقیم شدند .»

در سال هزار و سیصد قمری مطابق ۱۸۸۲ عیسوی انگلیسها عموماً به هند رفتند و باسیدوی خود را با ذغالهاییکه داشتند به محمد محمود حفاظ ، تبعه ایران سپردند ، نگارنده در مسافرت خود به باسیدو در دیرینه دفتری نزد محمد محمود حفاظ خریطه و امتداد باسیدو را یافته و چنین نگاشته بود ، طول از منب تا مطلع نر با هشت هزار و شصت و پنجاه و چهار فیت و عرض از غیوب نمش تا مطلع سهیل پنجهزار و دویست و هشتاد و پنج فیت و فیما بین تیر و سماک در آنجا هفت هزار و سی و سه فیت می شود . سابقاً فقط ایام یکشنبه پرده بریتانیا بلند می نمودند ، از سال هزار و هشتصد و نود و نه عیسوی مطابق ۱۳۱۷ هجری قمری هر روز پرده بلند می نماید . در سال هزار و نهصد و پنج عیسوی مطابق ۱۳۲۳ هجری انگلیسها ورقه محسوبیت و تابعیت خود به محمد محمود حفاظ داده اند . در سال ۱۹۱۰ مطابق ۱۳۲۸ هجری محمد محمود از خدمت استعفا داده و نصف مواجب دربار او مادام حیات برقرار کردند .

از سال ۱۹۰۹ بعد از آنکه سی سال ذغال در آنجا پیاده نمودند مجدداً شروع به پیاده نمودن ذغال کردند ، تاکنون در اتصال ذغال وارد می نمایند ، محافظ و محاسب از خود انگلیسها حال در آنجا هست . در قبرستان سابق انگلیسها قبور زیاد از آنان دیده می شود دلالت بر کثرت نفوس سابقه آنها در باسیدو می نماید ...

در باسیدو هفت برکه بطرز استطاله و یک برکه مدور که همه آنها سرپوشیده اند و دو برکه دیگر بدون پوشش سر موجود است و هشت چاه دارند که آب آنها شیرین و گوارا است . باسیدو در طول ۵۵ درجه و ۱۶ دقیقه و عرض ۲۶ درجه و ۳۹ دقیقه واقع است . رعیت ایران و سایر خارجه اجازه بنیان ابنیه در آنجا ندارد ، چهار قطعه نخلستان مختصر در آنجا دیده می شود ، تکیه ای در آنجا هست از ابنیه مرحوم حاجی خداداد صاحب میراث معروفه ، که بتوسط انگلیسها در همه نقاط مصرف می شود ، وجه را در بانگ معتبر انگلیسها گذاشته و همه آن از فایده آن وجه است . خداداد در سال ۱۲۸۷ فوت

کرد مطابق ۱۸۷۰ عیسوی ... (۱)

مرحوم سدید در صفحه ۱۰۶ همان کتاب در ضمن مطالب شرح موقع باسیدو و قریه آن می نویسد:

«... و معادل مطب دکتورخانه ایست معروف به خانه آدمیرال که تازه آنرا خراب کرده و از نو بنا نموده اند و معادل خانه آدمیرال رو بمغرب کناره دریا چوب علم است... و معادل بندر سنگو از طرف مغرب رو بمشمال مقبره نصاری است. بیست و دو قبر بدون سنگ چین و لوح نداشته است. شانزده قبر با لوح بود و اقدم آن الواح مورخه بیستم فوریه سال هزار و هشتصد و بیست و هشت بود...»

«این پایگاه با سایر تأسیسات نظامی جزائر «هنگام» و «هرموز» در سال ۱۸۱۹ میلادی برابر با ۱۲۳۴ هجری به امر نایب السلطنه هندوستان بوجود آمد. در آن سال انگلیسها قوای دریائی «جواسم» رأس الخیمه را نابود کردند، فرمانده نیروی مهاجم انگلیس که «سر ویلیام گرانٹ گر» بود بعد از شش روز که قوای جواسم را محاصره کرد، هم آخرین گروه کشتیهای جنگی، بادبان دار، خلیج فارس را به قمر دریا فرستاد و هم با آتش زدن دژها و استحکامات نظامی، این قلاع دفاعی را سوزانده و با خاک یکسان کرد.»

سر ویلیام گرانٹ گریس از محو آخرین قوم دریانورد و نیروی جنگنده خلیج فارس نقشه ایجاد پایگاه هائی را به خلیج فارس طرح و به نایب السلطنه هندوستان پیشنهاد کرد. این طرح که بلافاصله تصویب و اجرا شد، جزایر هرموز، قشم، بوموسی، تب، بحرین و غنم را بصورت پایگاههایی مستحکم در آورد. انگلیسها با اشغال این جزایر و با تأسیسات نظامی که در آنها بوجود آوردند موفق شدند، سرتاسر خلیج فارس را تحت کنترل وزیر نفوذ خود در آورند. دو سال بعد که فرمانده نیروی دریائی انگلیس در خلیج فارس تغییر کرد، فرمانده جدید پایگاه باسیدو را بهترین نقطه برای استقرار قوای عمده دریائی دانست و به توسعه آن پرداخت ولی کشتار مالاریا، پیوک و حصبه در این پایگاه سبب شد تا سر فرماندهی انگلیس در هندوستان دستور برچیده شدن پایگاه و تقلیل تمرکز نیروهای دریائی را از این منطقه صادر کند... با اینکه نیروی دریائی انگلیس دیگر نیازی به این جزیره نداشت، ولی باز هم تأسیسات خود را حفظ کردند، یکی از اتباع ایرانی بنام (حسین محمد) را به سرپرستی ابنیه خود برگزیدند و شمه‌ای از تلگرافخانه (هند و اروپا) را نیز بآنجا منتقل کردند. این تلگرافخانه بوسیله یک دستگاه بی سیم و همچنین سیم دریائی با جاسک و بندرعباس ارتباط داشت و بیشتر اطلاعات جوی و آب و هوا را به مرکز «هوا شناسی کراچی او. پی. اس» اطلاع می داد. در سال ۱۹۰۹ م (۱۳۲۶ ه) پس از سی سال که فعالیتی در این تأسیسات صورت نمی گرفت، باردیگر در انبارهای ذغال پایگاه مقدار زیادی ذغال برای سوخت کشتیها ذخیره شد که در جنگ بین الملل دوم مورد استفاده قرار گرفت. پایان جنگ دوم جهانی به فعالیت این پایگاه نیز خاتمه داد، ولی حکومت هندوستان

۱- نگاه کنید به صفحه ۱۰۵-۱۰۳ کتاب «بندرعباس و خلیج فارس» و در کتاب «آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان» در فصل کشم و هنگام تصویرهایی از ویرانه‌های ابنیه حاجی خداداد و کتیبه‌های آن چاپ شده است.

گردهی ایرانی و انگلیسی را مأمور حفاظت از تاسیسات پایگاه نمود و همه روزه پرچم انگلستان بر فراز پایگاه به اهتزاز در می‌آمد. شبها نیز چراغهای دریائی جزیره برای راهنمایی کشتیهای تجاری و جنگی روشن می‌شد. (۱)

پس از تشکیل نیروی دریائی ایران در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی، مرحوم دربادار بایندر فرمانده نیروی دریائی ایران در آن زمان که بجهت شهادت غرور آفرین و افتخار آمیزش در وقایع شهریور ۱۳۲۰ شمسی و به سبب تألیف کتاب «خلیج فارس»، اثر مهم و علمی و معتبرش شهرت جاویدان دارد، اقدام به تصرف پایگاه نظامی انگلیسی باسعیدو می‌نماید و به ناوبان جعفر فرونی، فرمانده «ناو پلنگ»، دستور محو آثار تصرف انگلیسیان در باسعیدو و برچیدن پایگاه آنها صادر می‌نماید.

در تابستان سال ۱۳۱۲ هجری شمسی «ناو پلنگ» مأموریت خود را انجام می‌دهد و پرچم انگلستان را از پایگاه باسعیدو پایین کشیده و بجای آن پرچم ایران را بر می‌افرازد و همین اقدام موجب گفتگوها و کشمکشهای سیاسی می‌گردد تا آنجا که موضوع به مجالس قانونگذاری ایران و انگلستان و «جامعه ملل» می‌گردد و اسناد و مدارک تاریخی زیادی از این حوادث بجای می‌ماند.

خبر پائین کشیدن پرچم انگلیس از پایگاه باسعیدو و تصرف تاسیسات نظامی و دریائی انگلیس در این بندر، چندین هفته قبل از اینکه وزارت امور خارجه ایران از آن مطلع شود، از راه بحرین به اطلاع وزارت امور خارجه انگلیس و سفارت آن دولت در تهران رسیده بود. دیپلمات‌های انگلیسی بوسیله عواملی که در وزارت خارجه داشتند، از این بی‌اطلاعی استفاده کرده، یادداشت اعتراض آمیزی تسلیم وزیر امور خارجه ایران کردند.

در این یادداشت باسعیدو را ملك انگلستان دانسته و خواستار رفع تجاوز فرمانده ناو پلنگ از این پایگاه شدند. جواب وزارت امور خارجه نیز حاکی از این بود که بزودی رفع مزاحمت خواهد شد. وقتی این جواب به سفارت انگلیس در تهران تسلیم شد، نماینده سیاسی انگلیس در خلیج فارس که با نام و لقب انگلیسی و عنوان عربی «رئیس الخلیج» نامیده می‌شد، با اعزام يك قایق موتوری به باسعیدو به تنهاتبعه انگلیسی بازمانده در باسعیدو بنام «مسترتیس» دستور داد که بار دیگر پرچم انگلیس را بر فراز چوب پرچم به اهتزاز در آورد. مسترتیس نیز که مأمور نگهداری حساب و موجودی و تحویل ذغال سنگ پایگاه به کشتیهای جنگی انگلیس بود به «حسین محمد» تبعه ایران که شغل او بالا بردن و پائین آوردن پرچم انگلیس در پایگاه بود، دستور داد تا بار دیگر پرچم را برافرازد، ولی او و سایر ایرانیان نه تنها مانع برافراشتن پرچم انگلیس شدند، بلکه با او به زد و خورد پرداختند، تیس ناچار شده بحرین فرار کند. (۲)

۱- «دریانوردی ایرانیان» جلد دوم، تألیف اسماعیل رائین، صفحات ۸۴۸ - ۸۴۷

چاپ ۱۳۵۰، تهران.

۲- «دریانوردی ایرانیان» اسماعیل رائین، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۰، صفحات

در سپتامبر ۱۹۳۳ میلادی آژانس بریتانیا در لندن، خبری در مطبوعات انگلیس منتشر کرد: «جواب دولت ایران راجع به حادثه باسعیدو در حوالی جزیره قشم واقع در خلیج فارس که اخیراً یک صاحب منصب بحری ایران در آنجا پیاده شد و پرچم انگلیس را برچیده بود واصل گردیده است. صدسال است که انگلیس باسعیدو را در تصرف و دولت ایران در جواب دولت انگلیس به نماینده انگلیس در تهران اطمینان داده است که اقدام صاحب منصب ایرانی مزبور مطلقاً بدون اجازه دولت بوده و قوای بحری انگلیس مجدداً پرچم انگلیس را بجای خود قرار دادند.» (۱)

چندی بعد، فرمانده ناوگان انگلیس در خلیج فارس با کشتی جنگی «شورهام» از جزیره «تمب مار» که آن جزیره هم در اواخر قرن نوزدهم برای سیاست حفظ امنیت حریم هندوستان مورد تصرف و تجاوز نیروی دریائی انگلیس واقع شده بود و یک بندر نظامی زیر نظارت ظاهری شیخ رأس الخیمه بود، به باسعیدو رفت و حسین محمد تبعه ایران را بازداشت کرد و در بندرعباس پیاده نمود و در همان زمان در روزنامه اطلاعات خبر این بازداشت بدین شرح منتشر گردید:

«بر طبق اطلاعات واصله چند روز قبل مدیر گمرک باسعیدو را در حین انجام وظیفه مأمورین بحری انگلیس که در آن حدود بودند توقیف نموده و به کشتی جنگی انگلیس برده و استنطاق کرده و پس از آن با کشتی جنگی خودشان به بندرعباس فرستاده اند.» (۲)

روز سیام مهرماه ۱۳۱۲، محترم السلطنه اسفندیاری نماینده در مجلس شورای ملی ایران، رسماً وزیر امور خارجه ایران را در مجلس شورای ملی ایران در این خصوص مورد سؤال قرار داد:

«حاج میرزا حسن اسفندیاری - دیشب و امروز درجرائد خبر تعجب آوری دیده شد، بعضی از آقایان همان دیشب از بنده سؤال کردند که در این موضوع اطلاعی نداشتم و مطمئن بودم که افکار آقایان رفقای پارلمانی بنده از این بابت نگران است. دیگران هم از این مسئله بسیار متوحش و نگران هستند شبانه خدمت آقای رئیس عرض کردم که برای رفع این محذور بهتر این است از آقای وزیر امور خارجه خواهش شود تشریف بیاورند و در این مسئله توضیحاتی بدهند که انشاءالله اسباب تسکین این نگرانی بشود صورت قضیه را که در روزنامه نوشته اند عیناً بنده می خوانم، یک خبر عجیب (بر طبق اطلاعات واصله چند روز قبل مدیر گمرک باسعیدو را در حین انجام وظیفه خود مأمورین بحری انگلیس که در آن حدود بوده اند توقیف نموده و به کشتی جنگی برده و استنطاق کرده و پس از آن با کشتی جنگی خودشان به بندرعباس فرستاده اند.) بدیهی است این موضوع که چندین واقعه اسف آور را متضمن است فوق العاده اسباب نگرانی و تعجب است خاصه در این دوره و با این وضعیت دولت ایران و

۱- روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۰۱ - ۱۳۱۲/۷/۲۸ و بنقل رأین در «دریانوردی

ایرانیان» جلد دوم، صفحه ۸۵۱

۲- روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۲۸ - ۱۳۱۲/۷/۲۹ و بنقل رأین در «دریانوردی

ایرانیان» جلد دوم، صفحه ۸۵۱

رعایت‌هایی که همیشه در مناسبات خودش دارد و از طرف دیگر با اینکه همه دنیا فریاد می‌کنند که باید مناسبات با یکدیگر را دول حفظ کنند این مسئله مخالف تمام مقررات و مناسبات بین‌الدولی است و مردم حق داشتند از این مسئله خیلی نگران باشند (صحیح است) اینها سه چهارم موضوع است که اتفاق افتاده و تمام برخلاف انتظار و از مسائلی است که هر دولتی بایستی متعرض باشد این بود که خواهش کردم آقای وزیر امور خارجه در این موضوع و در این موضوعات و جزئیات هر یک اقداماتی که دولت علیه فرموده‌اند که اسباب آسایش خیال مردم و جلوگیری از نظایر این قضیه است در مجلس بفرمایند که رفع این نگرانی از برای ماها بشود (صحیح است) .

وزیر امور خارجه - متأسفانه باید عرض کنم که اطلاعات مندرجه در جرائد و اخباری که بنماینده محترم رسیده است صحت دارد (تعجب نمایندگان) و چون تقاضا فرموده‌اند که جریان قضیه و جزئیات امر را توضیح دهم این است که بشرح و تفصیل آن می‌پردازم : و این قضیه در نقطه‌ای از خاک ایران موسوم به باسعیدو اتفاق افتاده و بطوریکه همه آقایان می‌دانند باسعیدو اسم قریه‌ای است که در منتهی الیه شمال غربی جزیره قشم نزدیک به ساحل واقع شده و یک محله از این قریه سابقاً به اسم قلمدانی و در این اواخر باسم باسعیدوی کهنه معروف شده است. از سنوات سابق یعنی در دوره ضعف و ناتوانی و قوت ایران به ترتیبات معموله آن دوره که همه آقایان می‌دانند و محتاج بمرض نیست انگلیس‌ها بدون اجازه دولت مرکزی ایران در این قسمت باسعیدوی کهنه انبارذغال و مریضخانه کوچکی برای بحریه خود درست کرده‌اند و بعدها چند بنای دیگر از قبیل مسافرخانه و غیره نیز بر آنها اضافه و چندین دستگاه تلگراف بی‌سیم هم در آنجا داشته‌اند بندریج قبرستانی هم در این محل ایجاد شده که مدفن اروپائیهائی که در حدود خلیج فارس فوت شده‌اند می‌باشد . دعوی انگلیسها در بودن در این منطقه همیشه بعنوان انبار ذغال بوده و دولت ایران هم در ادوار اخیر مکرر به دخالت مأمورین بحریه انگلیس در این محل اعتراض کرده و همیشه در هر موقع آن رامتمم جزیره قشم و ملک بلاترید و مسلم خود می‌دانسته است .

اما تفصیل قضیه اخیر از این قرار است : که بعد از ظهر ۱۷ مهر جاری مأمور گمرک باسعیدو برای اجرای وظیفه تفتیش و تحقیقات با فراش خود بیک جهاز باری که در بین باسعیدوی کهنه و نو لنگر انداخته بود و متعلق بیکی از اهالی بندر عباس بوده رفته بود و همینکه به ساحل مراجعت می‌نماید چهار نفر نظامی مسلح انگلیسی با یک صاحب منصب و یک مترجم آمده از مدیر گمرک سئوالاتی بی‌مورد کرده و بعد او و فراش را نزد کاپیتان کشتی جنگی انگلیسی که در آن حدود بوده برده و تا مقداری از شب گذشته آنها را توقیف و در آن وقت آنها را به جهاز دیگر انتقال داده و از آنها استنطاقاتی کرده‌اند و بعد آنها را با کشتی جنگی خودشان به بندر عباس برده‌اند .

بدتر از این حادثه قضیه مراسله ایست که از سفارت انگلیس در ۲۴ مهر جاری بوزارت خارجه رسید و چون یقین دارم آقایان علاقه‌مند به اطلاع از مفاد آن هستند قسمتهائی از آنرا استحضاراً عرض می‌کنم . مراسله مزبور اولاً پیش دستی کرده از رفتار مدیر گمرک ایران در باسعیدو در مورد تفتیش يك بلم شکایت کرده است و ثانیاً محوطه انبار ذغال را به ناحیه

انگلیسی تعمیر و تفتیش آبهای مجاور این قطعه را خارج از وظایف مأمور گمرک ایران شمرده و تفصیل قضیه را اینطور شرح داده است که تقریباً در ساعت ۶ غروب روز نهم اکتبر (۱۷ مهر) مدیر گمرک از بلمی که تفتیش نموده بود پیاده می‌شود. بلم مزبور بلافاصله در ساحل ناحیه انگلیسی و داخل آبهای ساحلی متصل بقسمت مزبور لنگر انداخته بود، نزدیکترین نقطه ساحلی تقریباً بمساحت يك ميل داخل حدود ناحیه انگلیس بوده و مدیر باتفاق فراش خود بوده و بعد هم در مراسله اعتراف می‌کنند که مدیر گمرک را برای تحقیق مسئله به یکی از جهازات انگلیسی که در آن حدود لنگر انداخته بوده برده بودند و بعد هم مدیر گمرک و فراش او را در بندرعباس پیاده کرده‌اند.

ثالثاً در مراسله مزبور این اقدام مدیر گمرک را نقض استاتو کو معرفی کرده‌اند و در خاتمه هم از دولت شاهنشاهی تقاضا کرده که تعلیمات به همه مأمورین دولتی در باسعید و صادر شود که نظائر این قضیه تکرار نگردد.

مسلم است که این عملیات بی‌رویه مأموران بحری انگلیسی نسبت بمأمورین رسمی ایران که به ادای وظایف خود مشغول بوده و توقیف و استنطاق او و بردن جبری او از محل مأموریتش بنقطه دیگر و همچنین این عناوین عجیب در مراسله تا چه درجه اسباب تعجب و حیرت اولیای دولت شده. بنده بلافاصله بنماینده انگلستان در طهران اعتراض و اهمیت موضوع را خاطر نشان و به نماینده ایران در انگلستان دستور دادم که فوراً در لندن نیز اقدام بعمل آید و مراسله‌ای هم جواباً به سفارت انگلیس اشعار داشتم که اینک مفاد آنرا بعرض آقایان می‌رسانم:

«اولاً در قسمت ادعای دولت انگلیس در باسعیدی کهنه اینطور نوشتم:

جای نهایت تعجب است ادعائیکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در داشتن انبار ذغال در باسعید داشته‌اند تدریجاً صورت دیگری بخود گرفته و اینک عملیاتی مانند رفتار مالکانه نموده و مانع اجرای حق حاکمیت ایران در آنجا می‌شوند و حتی آنرا ناحیه مخصوص انگلیسی نام نهاده و آبهای ساحلی آنرا نیز از قلمرو ایران خارج می‌دانند در صورتیکه دولت ایران در هیچوقت و زمانی هیچگونه ناحیه انگلیسی و هیچ نوع حق تصرفی برای دولت انگلیس در باسعید و نشناخته و نمیشناسد. ثانیاً در مورد استاتو کو مخصوصاً استفسار کردم که مقصود از استناد به استاتو کو در این مورد چیست و بچه مجوزی مأمورین انگلیس خود را مجاز به چنین رفتاری نموده‌اند؟»

ادامه دارد

